

حقوق فامیل

مقدمه

حقوق فامیل به عنوان یکی از شاخه‌های مهم حقوق مدنی، نقش اساسی در تنظیم و تعریف روابط خانوادگی و اجتماعی دارد. این حقوق شامل مقرراتی است که به تنظیم روابط میان افراد خانواده می‌پردازد و بر اساس آن، مسئولیت‌ها و حقوق هر یک از اعضا مشخص می‌شود. در افغانستان، حقوق فامیل به طور عمده تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی به ویژه فقه حنفی قرار دارد و چارچوب‌های قانونی بسیاری بر مبنای اصول دینی و فرهنگی جامعه تدوین شده‌اند.

تاریخچه حقوق فامیل در افغانستان با تغییرات سیاسی و اجتماعی کشور همسو بوده است. در دوره‌های مختلف تاریخی، به ویژه در زمان شاه امان‌الله خان، تلاش‌هایی برای اصلاح و مدرن‌سازی قوانین فامیل صورت گرفت. در عرصه حقوق فامیل، قانون مهمی مرعی الاجرا شد. این قانون، نظامنامه نکاح، عروسی و ختنه‌سوری بود که در سنبله ۱۳۰۳ وضع و نافذ گردید. اصلاحات عصر امانی شامل وضع قوانین جدید برای ازدواج، طلاق، و حقوق زنان بود که اصول اسلامی را رعایت نموده همزمان با تلاش‌هایی برای مدرن‌سازی افغانستان و نزدیک شدن به معیارهای بین‌المللی حقوق بشر انجام شد. با این حال، بسیاری از این تغییرات با مقاومت‌های اجتماعی و فرهنگی روبرو گردید و تنها بخشی از آن‌ها به مرحله اجرا درآمد. توجه به تحولات اجتماعی و سیاسی، حقوق فامیل در افغانستان نیازمند بازنگری مداوم است. تلاش‌هایی ایجاد تعادل میان اصول اسلامی، عرف و عنعنات مردم و نیازهای جامعه در جریان است تا بتواند به گونه‌ای حقوق زنان و کودکان را تضمین کند و از سوءاستفاده‌ها در چارچوب خانواده و جامعه جلوگیری نماید. در این مقاله، به بررسی و تحلیل تعریف حقوق فامیل، تاریخچه آن در افغانستان، تأثیر اسلام بر این قوانین، و مسائل مربوط به ازدواج پرداخته خواهد شد.

تعریف

حقوق فامیل به مجموعه‌ای از قوانین و مقررات اطلاق می‌شود که برای تنظیم روابط میان اعضای خانواده و حمایت از حقوق فردی و جمعی آن‌ها تدوین شده است. این شاخه از حقوق، به منظور تأمین عدالت و حفظ نظم در چارچوب خانواده و جامعه طراحی شده و موضوعاتی چون ازدواج، طلاق، حضانت فرزندان، نفقه، ارث، و حقوق والدین و فرزندان را شامل می‌شود. در افغانستان، مانند بسیاری از کشورهای اسلامی، حقوق فامیل به شدت تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی، به ویژه فقه حنفی قرار دارد که به عنوان منبع اصلی قوانین خانوادگی به شمار می‌رود.

از لحاظ مفهومی، حقوق فامیل به عنوان یک مجموعه نظام‌مند از اصول و قواعد حقوقی تعریف می‌شود که هدف آن‌ها حمایت از نهاد خانواده است. نهاد خانواده به عنوان یکی از بنیادی‌ترین و ابتدایی‌ترین عناصر جامعه، محور بسیاری از روابط اجتماعی محسوب می‌شود و به همین دلیل، تنظیم حقوقی و قانونی آن اهمیت ویژه‌ای دارد. در این چارچوب، قوانین

فامیل تلاش می‌کنند تا با تعیین حدود و وظایف اعضای خانواده نسبت به یکدیگر، از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و سواستفاده‌های احتمالی جلوگیری کنند.

یکی از ویژگی‌های مهم حقوق فامیل در افغانستان این است که هم قواعد عرفی و هم اساسات شرعی در آن نقش دارند. این ترکیب دوگانه، باعث شده تا حقوق فامیل در افغانستان به نوعی حالت پلورالیسم حقوقی را به خود بگیرد. این حالت به‌ویژه در جوامعی که تنوع فرهنگی و مذهبی دارند، بسیار بارز است و حقوق فامیل افغانستان نیز از این قاعده مستثنا نیست. با این حال، فقه حنفی همچنان منبع اصلی و غالب در تنظیم روابط خانوادگی است و قسمت اعظم قانون مدنی کشور نیز از این منبع بهره می‌برد.

در نهایت، حقوق فامیل به عنوان یک شاخه حیاتی از نظام حقوقی، نقشی کلیدی در حمایت از نهاد خانواده و ایجاد عدالت در روابط خانوادگی ایفا می‌کند. این قوانین به دنبال این است که با تنظیم مسئولیت‌ها و حقوق هر یک از اعضای خانواده، تعادل مناسبی بین حقوق و وظایف ایجاد کند. در افغانستان، علاوه بر اینکه قوانین فامیل باید با ارزش‌های دینی و فرهنگی جامعه همخوانی داشته باشد، نیاز به اصلاحات و هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی نیز به شدت احساس می‌شود. در نتیجه، تلاش‌هایی برای بازنگری و بهبود این قوانین در سال‌های اخیر انجام شده است تا ضمن حفظ ارزش‌های اسلامی، حقوق انسانی افراد نیز بهتر مورد حمایت قرار گیرد.

تاریخچه: توسعه حقوق فامیل در افغانستان

تاریخچه حقوق فامیل در افغانستان با تغییرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این کشور پیوندی عمیق دارد. پیش از ورود اسلام به افغانستان، سیستم حقوقی و قوانین حاکم بر جامعه مبتنی بر عرف‌ها و سنت‌های محلی بود. این عرف‌ها در نواحی مختلف کشور متفاوت بود و با توجه به ساختار قبیله‌ای افغانستان آنروز، روابط خانوادگی و اجتماعی به شکل غیررسمی و سنتی مدیریت می‌شد. با ورود اسلام به افغانستان در قرن هشتم میلادی و گسترش آن در سراسر کشور، نظام فقهی اسلامی، به‌ویژه فقه حنفی، به تدریج جایگزین بسیاری از این سنت‌ها و عرف‌های محلی شد و به عنوان منبع اصلی حقوق فامیل در افغانستان شناخته شد.

در دوران حکومت شاه امان‌الله خان (۱۹۱۹-۱۹۲۹)، حقوق فامیل به عنوان بخشی از نظام حقوقی کشور مورد توجه قرار گرفت و تلاش‌هایی برای مدرن‌سازی و اصلاح قوانین فامیل انجام شد. شاه امان‌الله خان که به دنبال ایجاد تغییرات عمده در ساختار اجتماعی و حقوقی افغانستان بود، سعی کرد تا قوانین حقوق فامیل را بهبود بخشد و از سنت‌های قبیله‌ای فاصله بگیرد. در این دوران، قوانینی مربوط به ازدواج، طلاق و حقوق زنان تدوین و به اجرا گذاشته شد که برخی از آن‌ها برای اولین بار در تاریخ افغانستان بود. یکی از این اصلاحات مهم، تعیین سن قانونی ازدواج برای دختران و پسران و تنظیم حقوق زنان در چارچوب ازدواج بود.

پس از کنار رفتن شاه امان‌الله خان از سکان رهبری کشور و آغاز دوران ناآرامی‌های سیاسی، حقوق فامیل نیز تحت تأثیر قرار گرفت. در این دوره، بسیاری از اصلاحات صورت گرفته توسط شاه امان‌الله خان لغو یا به حاشیه رانده شد و حقوق فامیل دوباره تحت تأثیر نظام‌های محلی قرار گرفت. با این حال، فقه حنفی همچنان به عنوان منبع اصلی حقوق فامیل باقی ماند و در بسیاری از موارد، قوانین حقوق فامیل از فقه اسلامی پیروی می‌کرد. این وضعیت تا چند دهه ادامه داشت و تنها تغییرات محدودی در قوانین مربوط به فامیل صورت گرفت.

در دهه ۱۹۶۰، اصلاحات اجتماعی و حقوق در افغانستان بار دیگر قوت گرفت. در این دوره، تلاش‌هایی برای تدوین قوانین جدید در زمینه حقوق فامیل انجام شد و قوانینی مانند قانون ازدواج و طلاق در سال ۱۹۶۰ به تصویب رسید. این قانون تلاش می‌کرد تا روابط خانوادگی را به طور قانونی تنظیم کند و برخی از ناهنجاری‌های اجتماعی مانند ازدواج‌های اجباری و تعدد زوجات را محدود کند. این دوران را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین دوره‌های تحولات حقوق فامیل در افغانستان دانست که سعی داشت تا بین ارزش‌های اسلامی و نیازهای مدرن اجتماعی تعادل برقرار کند.

با شروع دهه ۱۹۷۰ و به‌ویژه پس از کودتای ۱۹۷۸ و به قدرت رسیدن حکومت‌های سوسیالیستی در افغانستان، تغییرات بیشتری در قوانین فامیل صورت گرفت. حکومت کمونیستی وقت که به دنبال ایجاد تغییرات عمیق اجتماعی و حقوقی بود، تلاش کرد تا برخی از سنت‌های اسلامی و قبیله‌ای را از قوانین فامیل حذف کند. در این دوران، قوانین جدیدی در زمینه حقوق زنان و خانواده تصویب شد که در آن‌ها سعی می‌شد حقوق زنان در چارچوب خانواده تقویت شود. اما این تغییرات با مقاومت شدید مذهبی و فرهنگی روبه‌رو شد و پس از سقوط حکومت کمونیستی، بسیاری از این قوانین مجدداً لغو شد.

در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، افغانستان وارد دوره‌ای از ناآرامی‌ها و جنگ‌های داخلی شد که بر تمامی جنبه‌های حقوقی و اجتماعی کشور تأثیر گذاشت. با ظهور امارت اسلامی در دهه ۱۹۹۰، قوانین فامیل دستخوش تغییرات عمده‌ای شد و امارت اسلامی با استفاده از تفسیرها و قرأت‌های خود، بسیاری از حقوق زنان را که در قوانین قبلی مورد توجه قرار گرفته بود، تغییر داد. در این دوره، حقوق فامیل کاملاً تحت سیطره شریعت قرار گرفت و حقوق زنان و کودکان دستخوش تغییر شد.

پس از تحولات سیاسی در سال ۲۰۰۱ و شکل‌گیری دولت جمهوری اسلامی افغانستان، تلاش‌هایی برای بازسازی نظام حقوقی کشور از جمله حقوق فامیل صورت گرفت. در این دوره، قوانین فامیل با همکاری جامعه بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری بازنگری شد. در این راستا، قانون حمایت از زنان و کودکان در سال ۲۰۰۹ به تصویب رسید که در آن حقوق زنان و کودکان در چارچوب خانواده تقویت شد.

با این حال، هنوز هم چالش‌های زیادی در زمینه حقوق فامیل در افغانستان وجود دارد. در حالی که برخی از قوانین مدرن و اصلاحی در زمینه خانواده به تصویب رسیده‌است، اما بسیاری از مناطق روستایی افغانستان همچنان به قواعد غیر رسمی و عرفی پایبندند. این اختلافات فرهنگی و اجتماعی باعث شده تا اجرای یکپارچه قوانین فامیل در سراسر کشور دشوار

باشد. در بسیاری از موارد، قوانین اسلامی و مدنی با سنت‌های محلی در تعارض قرار می‌گیرند و این مسئله اجرای درست و عادلانه حقوق فامیل را با مشکل مواجه کرده است.

به‌طور کلی، تاریخچه توسعه حقوق فامیل در افغانستان نشان‌دهنده تحولات پیچیده‌ای است که از تأثیرات سیاسی، فرهنگی و دینی ناشی شده است. در حالی که در برخی دوره‌ها تلاش‌هایی برای مدرن‌سازی و اصلاح قوانین فامیل انجام شده است، اما همچنان حقوق فامیل در افغانستان تحت تأثیر سنت‌های قدیمی و آموزه‌های اسلامی باقی مانده است. آینده حقوق فامیل در افغانستان به توانایی قانون‌گذاران در ایجاد تعادل بین نیازهای مدرن و ارزش‌های سنتی بستگی دارد و این چالشی است که جامعه افغانستان همچنان با آن مواجه است.

حقوق فامیل و اسلام

حقوق فامیل در افغانستان به شدت تحت تأثیر اصول و قوانین اسلامی است، و فقه حنفی به‌عنوان منبع اصلی تدوین این قوانین شناخته می‌شود. در اسلام، خانواده به عنوان واحد اساسی و بنیادین جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد و بسیاری از قوانین و مقررات حقوقی مربوط به خانواده در قرآن کریم و احادیث پیامبر (ص) بیان شده است. اسلام برای خانواده ارزش ویژه‌ای قائل است و روابط خانوادگی را بر پایه عدالت، احترام و مسئولیت‌پذیری تنظیم می‌کند. به همین دلیل، بسیاری از مقررات حقوق فامیل در افغانستان بر اساس آموزه‌های اسلامی تدوین شده و تلاش می‌شود تا در چارچوب این قوانین، حقوق هر یک از اعضای خانواده تضمین شود.

در نظام اسلامی، ازدواج به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان خانواده شناخته می‌شود و عقد نکاح به‌عنوان قراردادی شرعی و حقوقی میان زن و مرد تعریف می‌شود. این عقد بر پایه رضایت دو طرف استوار است و شرایط خاصی برای صحت آن در نظر گرفته شده است. از جمله مهم‌ترین این شرایط می‌توان به رضایت طرفین، حضور شاهدان، تعیین مهریه، و اعلام اراده به صورت آشکار اشاره کرد. در فقه اسلامی، ازدواج علاوه بر اینکه به عنوان یک وظیفه شرعی معرفی شده، هدف‌هایی مانند ایجاد آرامش، ادامه نسل و تأمین نیازهای عاطفی و اقتصادی طرفین را دنبال می‌کند.

فقه حنفی که در افغانستان به‌عنوان منبع اصلی حقوق فامیل مورد استفاده قرار می‌گیرد، دارای احکام و مقررات خاصی در زمینه‌های ازدواج، طلاق، حضانت فرزندان و سایر مسائل خانوادگی است. در این مذهب، حقوق و تکالیف زن و مرد به دقت تعریف شده و مسئولیت‌های خاصی بر عهده هر یک از طرفین گذاشته شده است. برای مثال، مردان ملزم به تأمین نفقه خانواده ((از جمله نفقه، مسکن و لباس، پرداخت مهریه و رعایت عدالت میان همسران و حسن معاشرت هستند، این در حالی است که زنان نیز ملزم به برخی اعمال اند مانند اطاعت از شوهر، عدم خارج شدن از منزل بدون اجازه شوهر و تمکین به شوهر جهت استمتاع و بدون اجازه شوهرش کسی را به خانه راه ندهد و سایر حقوق دیگر. این مقررات تلاش می‌کنند تا در چارچوب خانواده، عدالت و توازن بین حقوق و وظایف اعضا برقرار شود.

یکی از مسائل مهم در حقوق اسلامی و فقه حنفی، مسئله تعدد زوجات است. بر اساس این مکتب فقهی، مردان مجاز به داشتن تا چهار همسر هستند، اما شرط اصلی در این مسئله رعایت عدالت میان همسران است. در فقه حنفی و همچنین در قوانین فامیل افغانستان، تعدد زوجات مشروع است، اما دولت و قانونگذاران سعی کرده‌اند تا شرایط سخت‌گیرانه‌تری برای رعایت حقوق همسران در نظر بگیرند. در این راستا، قانون افغانستان الزاماتی همچون ثبت رسی ازدواج و تأمین نیازهای مالی و عاطفی تمامی همسران را پیش‌بینی کرده است تا از بروز نابرابری‌ها جلوگیری شود.

در کل، دین مبین اسلام و فقه حنفی به‌عنوان دو منبع اصلی حقوق فامیل در افغانستان، بر عدالت، احترام و تأمین حقوق اعضای خانواده تأکید دارند. با این حال، در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای اصلاح قوانین فامیل در جهت بهبود حقوق زنان و کودکان و هماهنگی با موازین بین‌المللی صورت گرفته است. این اصلاحات با هدف حفظ اصول اسلامی و در عین حال، تضمین حقوق انسانی در چارچوب خانواده انجام می‌شوند. در نتیجه، حقوق فامیل در افغانستان همواره در هماهنگی با ارزش‌های اسلامی و نیازهای مدرن جامعه در حال تغییر و تطبیق بوده است.

ازدواج

ازدواج به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی و حقوقی در اسلام و حقوق فامیل افغانستان، جایگاه ویژه‌ای دارد. در نظام حقوقی افغانستان، ازدواج به‌عنوان یک عقد شرعی و حقوقی شناخته می‌شود که بر اساس اصول و مقررات اسلامی تنظیم می‌گردد. این عقد میان زن و مرد برقرار می‌شود و دارای شرایط و احکام مشخصی است که رعایت آن‌ها برای صحت و مشروعیت ازدواج ضروری است. فقه حنفی که منبع اصلی قوانین خانواده در افغانستان است، شرایط خاصی را برای صحت عقد نکاح تعیین کرده است، از جمله رضایت طرفین، حضور شاهدان، و اعلام اراده به‌صورت علنی.

یکی از اصول کلیدی در ازدواج اسلامی و همچنین در قوانین فامیل افغانستان، اصل رضایت طرفین است. در فقه اسلامی، عقد نکاح تنها در صورتی صحیح است که هر دو طرف (زن و مرد) با اراده آزاد و بدون هیچ‌گونه اجبار، رضایت خود را برای ازدواج اعلام کنند. ازدواج‌های اجباری و بدون رضایت یکی از چالش‌های مهم حقوق فامیل در افغانستان بوده است و با توجه به فرهنگ‌ها و سنت‌های محلی، هنوز در برخی مناطق چنین ازدواج‌هایی رواج دارد. با این حال، قوانین مدرن افغانستان ازدواج‌های اجباری را غیرقانونی اعلام کرده و تأکید بر رضایت کامل طرفین دارد.

مهریه به‌عنوان حقی مالی است که مرد موظف به پرداخت آن به همسر خود در هنگام ازدواج است. میزان مهریه باید در زمان عقد تعیین شود و به نوعی تضمین مالی برای زن در طول زندگی زناشویی محسوب می‌شود. در فقه حنفی، مهریه به دو نوع «مهر المثل» و «مهر المسمی» تقسیم می‌شود. مهر المسمی به مبلغی اشاره دارد که در زمان عقد تعیین می‌شود، در حالی که مهر المثل زمانی مطرح می‌گردد که در زمان عقد نکاح مهر مسمی نگردیده باشد یا در وقت نکاح تعیین نشده باشد.

مهریه به‌عنوان یکی از حقوق مالی زن در چارچوب خانواده شناخته شده و مرد موظف به پرداخت آن است، چه در زمان زندگی زناشویی و چه در صورت طلاق.

حضور شاهدان یکی از شروط اساسی برای صحت عقد نکاح است. در فقه حنفی و قوانین خانواده افغانستان، حضور دست‌کم دو شاهد مرد و یا یک شاهد مرد و دو شاهد زن برای عقد نکاح الزامی است. شاهدان نقش مهمی در صحت و مشروعیت عقد ایفا می‌کنند و وجود آن‌ها به این منظور است که ازدواج به‌صورت علنی و قانونی ثبت شود و از هر گونه تخلف و سوءاستفاده جلوگیری گردد. همچنین، ثبت ازدواج در دفاتر رسمی یکی دیگر از الزاماتی است که در قوانین جدید افغانستان آمده و تأکید زیادی بر آن شده است. ثبت ازدواج نه تنها برای حفظ حقوق قانونی زن و مرد اهمیت دارد، بلکه برای حفظ حقوق فرزندان و جلوگیری از ازدواج‌های غیرقانونی نیز ضروری است.

در نهایت، ازدواج در حقوق فامیل افغانستان علاوه بر اینکه یک پیوند حقوقی و شرعی است، مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی زیادی را به دنبال دارد. بر اساس قوانین اسلامی و فقه حنفی، مرد به‌عنوان رئیس خانواده موظف به تأمین نفقه زن و فرزندان است. این نفقه شامل نیازهای مالی، مسکن، غذا و سایر ملزومات زندگی است که بر عهده مرد گذاشته شده است. در مقابل، زن نیز وظایف خانوادگی خود را بر اساس قوانین اسلامی انجام می‌دهد. این تعادل حقوق و مسئولیت‌ها در چارچوب ازدواج اسلامی تعریف شده و به‌عنوان اساس زندگی زناشویی شناخته می‌شود.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری از بررسی حقوق فامیل در افغانستان نشان می‌دهد که این حوزه از قوانین به شدت تحت تأثیر نظام فقه اسلامی و به‌ویژه فقه حنفی قرار دارد. از آنجا که افغانستان کشوری با بافت فرهنگی و مذهبی متنوع است، قوانین فامیل آن به نوعی حالت ترکیبی از سنت‌های محلی و آموزه‌های اسلامی دارد. این وضعیت، ضمن ایجاد برخی هماهنگی‌ها با ارزش‌های فرهنگی و دینی جامعه، چالش‌هایی را نیز در زمینه اجرای قوانین مدنی به وجود آورده است. حقوق فامیل در افغانستان به طور عمده بر اساس اصول اسلامی تنظیم شده و تلاش‌هایی برای هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی نیز در جریان بوده است، اما هنوز نیاز به اصلاحات و تطبیق بیشتری وجود دارد.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق فامیل در افغانستان، مسئله تعادل بین سنت‌های اسلامی و حقوق مدرن است. با وجود پیشرفت‌هایی که در زمینه حقوق زنان و خانواده طی سه دهه گذشته صورت گرفته، همچنان بسیاری از قوانین فامیل با سنت‌ها و قواعد عرفی در تعارض قرار دارند. این مسئله باعث شده تا اجرای یکپارچه قوانین فامیل در سراسر کشور دشوار باشد، به‌ویژه در مناطق روستایی که همچنان به هنجارهای عرفی پایبند هستند. برای موفقیت اصلاحات قانونی و بهبود حقوق خانواده، نیاز است تا فرهنگ‌سازی در سطح جامعه و مشارکت‌های گسترده‌تری میان دولت، نهادهای بین‌المللی و جامعه مدنی صورت گیرد.

حقوق فامیل در افغانستان نقش اساسی در حفظ ساختار خانواده و جامعه دارد. به دلیل اهمیت بالای خانواده در فرهنگ اسلامی و افغانی، این قوانین تلاش می‌کنند تا حقوق و مسئولیت‌های اعضای خانواده به‌ویژه زنان و کودکان را به دقت تنظیم کنند. با این حال، در زمینه‌هایی مانند ازدواج اجباری، تعدد زوجات، و حقوق زنان و کودکان هنوز هم اصلاحات بیشتری نیاز است. از سوی دیگر، تلاش‌های صورت گرفته برای ثبت رسمی ازدواج و تنظیم مسائل مالی همچون مهریه و نفقه نشان‌دهنده حرکت به سوی بهبود شرایط حقوقی خانواده است، هرچند که این روند به‌ویژه در مناطق دورافتاده کشور همچنان با مشکلات و محدودیت‌های خاصی روبه‌رو است.

در نهایت، آینده حقوق فامیل در افغانستان به توانایی قانون‌گذاران و مسئولان اجرایی در ایجاد تعادل میان نیازهای مدرن جامعه و حفظ ارزش‌های اسلامی و فرهنگی بستگی دارد. اصلاحات حقوقی که در سال‌های اخیر انجام شده، نشان از عزم دولت افغانستان برای هماهنگی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی و تأمین عدالت در چارچوب خانواده دارد. با این حال، لازم است تا این اصلاحات با حمایت گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی همراه شود تا بتواند به‌طور پایدار اجرایی گردد و حقوق تمامی اعضای خانواده به‌ویژه زنان و کودکان به‌طور کامل تأمین شود.

منابع

- یساری، ن.، و سبوری، ا. (۲۰۰۵). *Family Structures and Family Law in Afghanistan – A Report of the Fact-Finding Mission to Afghanistan January-March 2005*. پلانک انستیتوت برای حقوق بین‌الملل خصوصی.
- رهنمود انستیتوت ماکس پلانک برای حقوق فامیل افغانستان، چاپ دوم با اصلاحات.
- مبلغ، عبدالواحدضیا. خانواده و قانون؛ دورنمای اصلاح قانون خانواده در افغانستان. انتشارات آرمان شهر. کابل ۱۳۹۲
- عبدالله، نظام‌الدین. شرح قانون مدنی افغانستان (حقوق فامیل). کابل: انتشارات سعید، ۱۳۹۷.
- عدالت‌خواه، عبدالقادر. حقوق فامیل. کابل: انتشارات میوند، ۱۳۸۷.